

ایران‌شاه

پس از اسلام

تاریخچه مهاجرت زرتشتیان ایران به هند

اثر: دکتر ابراهیم پورداوود

انتشارات شفیع

۱۳۹۹

سرشناسه	پورداوود، ابراهیم، ۱۳۶۴-۱۳۴۷.
عنوان و نام پدیدآور	ایران‌شاه: تاریخچه مهاجرت زرتشتیان ایران به هند: اثر ابراهیم پورداوود.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات شفیمی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۱۱۰ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	978-964-7843-91-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: تاریخچه مهاجرت زرتشتیان ایران به هند.
موضوع	: زرتشتیان - هند -- مهاجرت - تاریخ
موضوع	: Zoroastrians - India -- History,
موضوع	: ایران - مهاجرت -- تاریخ
موضوع	: Iran -- Emigration and immigration -- History
موضوع	: هند-مهاجرت -- تاریخ
موضوع	: India -- Emigration and immigration -- History
رده بندی کنگره	: DS142
رده بندی دیویی	: 967.925
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۲۷۶۶۶

ایران‌شاه

تاریخچه مهاجرت زرتشتیان ایران به هند

نویسنده: دکتر ابراهیم پورداوود

نوبت چاپ: چاپ دوم ۱۴۰۰

حروف چینی: راه‌شهاب

چاپ و صحافی: هورنو

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

حق چاپ و نشر برای انتشارات شفیمی محفوظ است

انتشارات شفیمی: تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، ساختمان

اردیبهشت، شماره ۶۵، طبقه همکف، تلفن: ۶۶۴۹۴۶۵۴

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۴۳-۹۱-۱

مقدمه

آشنایی با نویسنده

نام پدرش داوود بود و در ۲۰ بهمن ۱۲۶۴ خورشیدی (۲۸ جمادی الاولی ۱۳۰۳ ق) در رشت، در محله سبزه میدان در خانواده‌ای مملوک و بازرگان به دنیا آمد. در پنج یا شش سالگی به مکتب میرزا محمدعلی رفت که محل آن اکنون آرامگاه پدر و برادران و خود اوست. سپس تحصیلات مقدماتی فارسی و عربی را در مدرسه حاجی حسن رشت به مدیریت سید عبدالرحیم خلخالی انجام داد. زمانی که در مدرسه حاجی میرزا حسن در سلک طلاب درس می‌آموخت، به مرتبه‌گویی پرداخت و دوستانش به وی تخلص «لسان» دادند. در ۱۲۸۴ ش، در ۲۰ سالگی، به همراه برادر و استادش عبدالرحیم خلخالی به تهران رفت و به آموختن طب قدیم پرداخت و از محضر محمدحسین خان سلطان‌الفلاسفه بهره برد.

در سال ۱۲۸۷ از راه قم، سلطان‌آباد (اراک امروزی)، کرمانشاه، بغداد و حلب به لبنان رفت. در بیروت در مدرسه لوتیک به فراگرفتن زبان و ادبیات فرانسه پرداخت و در همان‌جا نام پورداوود را بر خود نهاد (برادرانش نام‌های داوودزاده و داوودی را برگزیدند). پس از دو سال و نیم اقامت در بیروت برای دیدار خانواده به رشت بازگشت و پس از مدتی در شهریور ۱۲۸۹ راهی فرانسه شد. در همان‌جا بود که با سید محمدعلی جمالزاده آشنا شد. سپس به ایران بازگشت و پس از اقامتی کوتاه در رشت، در رمضان ۱۳۲۸، از راه باکو و وین به فرانسه رهسپار شد و نخست در دبیرستان شهر بووه نام‌نویسی و خود را برای ورود به دانشکده حقوق آماده کرد، آنگاه در رشته حقوق دانشگاه پاریس به تحصیل پرداخت و از محضر درس شارل ژید و پلاتول استفاده کرد.

در جمادی‌الاولی ۱۳۳۲ با یاری محمد قزوینی نشریه ایرانشهر را منتشر ساخت که در شعبان همان سال، پس از نشر سه شماره آن و آغاز جنگ جهانی اول، تعطیل شد. شش ماه نخست از دوره جنگ را در پاریس به سر برد، ولی بر اثر شور جوانی و میهن‌دوستی و

تبلیغات آلمانی، بر آن شد که پاریس را ترک کند. در ۱۳۳۳ به بغداد رفت و در ۲۹ رمضان همان سال تا ۲۹ جمادی الاولی سال بعد به یاری محمدعلی جمالزاده روزنامه رستخیز را منتشر کرد. با پیشروی انگلیسی‌ها و تسخیر کوت‌المعاره، پورداوود راهی کرمانشاه شد و چند ماهی آنجا ماند؛ و چون آن شهر به دست روس‌ها افتاد، شبانه به قصر شیرین رفت و به بغداد بازگشت و در آن هنگام ترکان عثمانی از انتشار رستخیز جلوگیری کردند. ناگزیر وی از آنجا به حلب و سپس به استانبول رفت و چون در آنجا از خروج او ممانعت کردند پس از مدتی به قصد اقامت در سوئیس، از راه بالکان به برلین رفت. آلمانی‌ها نیز از خروج وی از کشورشان ممانعت کردند و او تا پایان جنگ جهانی اول و مدتی پس از آن در آنجا ماند.

در سال ۱۲۹۵ در دانشگاه برلین، و سپس در دانشکده ارلانگن به ادامه تحصیل در رشته حقوق پرداخت. در آنجا با سیدحسن تقی‌زاده آشنا شد و در نشر *مجله کاوره* با او همکاری کرد. همکاری با تقی‌زاده و نیز با محمد قزوینی و آشنایی با خاورشناسان آلمانی از جمله یوزف مارکوارت تأثیری ژرف بر اندیشه او نهاد و او را بیش از پیش به تحصیل و تحقیق درباره ایران باستان حلقه‌مند ساخت. در شهریور ۱۲۹۹ با دختر یک دندان‌پزشک آلمانی ازدواج کرد و در تیرماه ۱۳۰۱ یگانه فرزندش پرواندخت به دنیا آمد. پورداوود در ۱۳۰۳ به همراه خانواده به ایران بازگشت. در مهر ۱۳۰۴ به دنبال دهوت پارسیان هند به هندوستان رفت و دو سال و نیم در آنجا ماند و به انتشار بخشی از ادبیات مزدیسنا و گزارش اوستا پرداخت و چند سخنرانی درباره تمدن ایران باستان از جمله شرح آتش بهرام، پیشوایان دین مزدیسنا، تقویم و فرق دین مزدیسنا، زبان فارسی، فروردین، دروغ، و ایران قدیم و نو ایراد کرد.

در ۱۳۱۱ به دنبال درخواست رابیندرانات تاگور از سوی دولت ایران برای تدریس فرهنگ ایران باستان به هند رفت و در دانشگاه ویسوپهارتی به تدریس پرداخت. در ۱۳۱۲ در هفتمین کنگره شرقی هند در گروه اوستاشناسی عضویت یافت و ریاست شعبه عربی - پارسی را نیز به عهده داشت و خطابه‌ای با عنوان «مراجعاتی چند درباره بودا در ادبیات و تاریخ ایران» به زبان انگلیسی ایراد کرد. زرتشتیان هند بسیار به او ارادت داشتند، تا جایی که به هنگام مراسم مذهبی مزدیسنا که به آن یزشن می‌گویند و به‌جز زرتشتیان فرد دیگری را به آن مراسم راه نمی‌دهند، از پورداوود دعوت کردند و او پس از خاورشناس آمریکایی، جکسن، خاورشناس آلمانی هاوگ، و بانوی خاورشناس فرانسوی منان، چهارمین غیرزرتشتی بود که تا آن روز به چنان مراسمی دعوت می‌شد.